



تلاش پارتیان (پهلویان) بر ابر یونانیان

تسلط خانمان بر انداز اسکندر مقدونی بر ایران که سرانجام به تأسیس دولت و سلسله حکمرانان بیگانه ساوکی منجر گردید، یکی از حوادث دردناک تاریخ ایران بشمار میرود. در مدت تقریباً یک قرن که یونانیان در ایران فرمان میراندند، ایرانیان همواره بد فکر تجدید حیات سیاسی خود، بر مبنای استقلال ملی، بسودند. از آنرو در ایالت‌های مختلف، بر ضد دولت بیگانه قیام می‌کردند. ولی فرمان وایان سلوکی این قیامها را پشت سر می‌گرفتند و پیشوایان آنها را بسختی کیفر میدادند و از میان میبردند. ایرانیان، طبق مدارک تاریخی، در این مبارزه هیچگاه از پناهنشستند تا سرانجام به سرداری اشك (اشك) رهبر دلیرو توانای نهضت ملی ایران، بر تسلط بیگانه یونانی بر اشوبیدند و پایه‌های حکومت مقدونی را در ایران واژگون کردند (۲۵۰ قبل از میلاد) بگفتار استاد ملك الشعراى بهار، :

يك قرن اشك ریخت وطن تا که بر کشید	اشك بزرگ رایت شوکت بر آسمان
از شهر (اشك آباد) آمد برون و راند	بر دفع جمش یونان تا شهر دامغان
یکسوز خصم شرقی پرداخت باختر	یکسوز خصم غربی پیراست خوروران

وقتی که آن تیوخوس دوم سلوکی خبر قیام و نهضت پارتیان (پهلویان) را شنید

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از تاریخ نویسان محقق معاصر

بطور یقین بخاطرش خطور نمی کرد که شالودهٔ چه دولتی عظیم ریخته شده ، و چه فوموسی جوان و تار و نفسی بعرضهٔ تاریخ پا گذارده است . او نمی توانست تصور کند این قوم نیرومند و سخت کوش که تا به آن هنگام در گمنامی می زیست ، نقشهٔ سیاسی آسیای غربی را به طرزی حیرت انگیز بهم میزند و تاریخ آن را برای دیگر میبرد . بهر حال این رهبر مقتدر و باتدبیر ملی ایران بدستیاری همت و پایداری غیرت پایهٔ دولتی بزرگ را در قسمت های شمال شرق ایران (خراسان امروزی) نهاد که مدت پنج قرن برای ایران و قسمت اعظم آسیای غربی حکومت کرد (۲۵۰ قبل از میلاد تا سال ۲۲۶ میلادی) . و در مدت دراز فرمانروائی خود همواره با رقیبانی زورمند مانند روم و مهاجمان خونخوار آسیای میانه در مبارزه بود . و در مقابل هیچ بیگانه ای تسلیم نشد و سرانجام ایران را به دست ایرانی سپرد و دولت ساسانی که بوسیلهٔ اردشیر بابکان از نجیبان پارس ، تأسیس شد ، جانشین دولت اشکانی گردید .

لقب عمومی پادشاهان اشکانی پارت (اشك) وعدهٔ آنان ۲۹ تن بوده است . در دورهٔ اشکانیان ایران بصورت کنفدراسیونی از پادشاهان محلی اداره میشد که تابع مرکز واحد و فرمانروائی واحد بنام شاهنشاه یعنی شاه شاهان بودند . بقول یکی از محققان ایرانی ^۱ «اگر آئین مهر و نظام حکومت دموکراسی آغاز عصر اشکانی را در تاریخ تأثیر افکار جهان در نظر بگیریم می بینیم آنچه در یونان و حتی در روم جلوه گرفته از راه ایران به آنجا رفته است» .

قیامهای پراکندهٔ ایرانیان بر ضد سلوکیان

با وجود نارسائی و نقص مدارك و روایتها ، باز اطلاعاتی درست است که نشان میدهد از همان ابتدای حکومت سلوکیان در ایران قیامها و طغیانهایی بر ضد دولت بیگانه از طرف مردم در نقاط مختلف ایران به ویژه در نواحی شمال شرقی برپا شده است . سپاه سلوکوس هم مانند سپاه زمان اسکندر ترکیبی بود از مقدونیان و پارسیان ، پادشاهان بعدی سلسلهٔ سلوکی لاقلاً برای جنگهایی که در نواحی غربی اتفاق می افتاد معدودی از اهالی بومی را برای بکار بردن بعضی از سلاحهای مخصوص مانند تیر و کمان و فلاخن به خدمت می گرفتند . از این رو به طوایف یاغی و پرخاشجوی ساکن در نواحی غربی و کوهستانی بیشتر نظر داشتند . از مجموع افراد ایرانی سپاه سلوکوس ، در حدود سه هزار تن قیام کردند و ساتراپ آنان بنام سیلس فقط با توسل به خیانت توانست بر آنان پیروز شود . این جمع را به قریهٔ راندا کشیدند و با افراد مقدونی و تراکی بر آنان شبیخون زدند و آنها را از میان برداشتند . یکبار دیگر (دورنیست که این دو ماجرا بهم مربوط

باشد) سه هزار تن از افراد مقدونی که در واحدهای نظامی پارسه متوطن بودند نقشه‌قلمی را بر ضد ابروزوس طرح ریختند. ابروزوس این گروه را به ناحیه کوماستوس فرستاد و در آنجا این عده را با تمهید قبلی بتوسط کسانی که بآنان پناه داده بودند کشتند. پس از آنتیوخس سلطنت به یکی از شاهزادگان میکسار و بدکار و ستمگر بنام **توس** رسید که با عنوان **آنتیوخس دوم** (از ۲۶۱ تا ۲۴۶ قبل از میلاد) سلطنت کرد. در دوره او امور مملکت مهمل ماند و قسمت شمال شرقی ایران از سلطه متصرفات سلوکیان جدا شد. در همان زمان که سلوکی‌ها در جایی دیگر سرگرم بودند، حاکم باکتریه بنام **دیودوتوس** پادشاهی خود را اعلام کرد. از همان بدو امر نواحی سغد، مرو و به‌کشور جدید ملحق شد. اما سایر نواحی مشرق به استثنای یک محل کم‌اهمیت تا مدت‌ها همچنان از پادشاهان سلوکی تبعیت کردند، ایجاد حکومتی مقتدر و سخت‌گیر و منظم که مورد علاقه سکنه یونانی‌نژاد مقیم آن دیار بود، بدلیل آنکه باید حتماً نگهبانی دقیق از سرحدات را هم عهده‌دار شود بهیچوجه نمیتوانست مطالب خاطر رؤسای قبایل و عشایر چادر نشین مجاور باشد. زیرا این قبایل مانند ترکمنهای امروزی بر اثر از بین رفتن قدرتهای ضعیف مرکزی می‌توانستند بدخواه خود به کشورهای و ناحیه‌های متدن نزدیک شبیخون بزنند و بدون ترس از مجازات به قتل و غارت بپردازند. بدین ترتیب دو برادر بنام **اشک و تیرداد** که مشیره آنان یکی از شاخه‌های منشعب از **دهها** بنام **یارنی** بود و مرتع‌های آنان تا آن زمان در زمین باکتریه در کنار رود اُخس (تجن فعلی) قرار داشت، از طرف مغرب به سرزمین سلوکی‌ها تجاوز کردند و تمام جوارت ناحیه پارت پیش رفتند. اقدامی نادرست از طرف **فوکلس** ساتراپ آن ناحیه، که تحت لوای نام آنتیوخس خواست با برادر کوچکتر به خشونت رفتار کند، این مرد و برادرکیخت. سرانجام این دو برادر **فوکلس** را شکست دادند و پارت را از زیر تسلط مقدونیان خارج کردند.

پس از این اقدام، **بیدرنگ اشک** به عنوان نخستین پادشاه ملی پارتی (**پهلوی**) در سال دویست و بیجاه قبل از میلاد مسیح بر سریر سلطنت جلوس کرد. بطوریکه نوشته‌اند^۱ همراهان و هم‌پشتان اشک همه از سران مهمترین تیره‌های اشرافی بودند که بدون شک کارن و سورن و اسپهپت (اسپهبد) نیز از همان شمارند. به قراری که در نامنامه ایرانی تألیف یوستینی مذکور است به اعقاب دختر **ارشه‌ویو** (فرهاد چهارم) بنام **کوشم**، یعنی خواهر کارن و سورن و شوهرش که اسپهبد بود، بموجب همین مقام **جداعلی**، لقب اسپهپت (**پهلوی**) داده‌اند.

اما در روایت مسیح اساساً نامی از اشک اول نیست و تازه در سال ۱۰۵ قبل از میلاد

مسیح ، پارتی‌ها خود سال پائیزی ۲۴۸ - ۲۴۷ را بعنوان سال شروع حکومت خود پذیرفتند . اما اشك پس از دو سال سلطنت در سال ۲۴۸ قبل از میلاد کشته شد و برادرش **تیرداد** که مانند همه پادشاهان بعدی به افتخار او باز خود را اشك نامید باید جانشین او شده باشد .

اشك شخصیتی معمول نیست ، زیرا برادرش او را همچون خدائی نمایانده است ، که بر پشت سکه‌هایش در حالی که کمانی در دست دارد بر فراز او مفالوس نشسته است . فاتحان پارت (پهلوی) قومی سوارکار و دلیر باقی ماندند . پیساده رفتن دون شآن آزادگان بشمار میرفت . تیر و کمان ، سلاح ملی آنان و خصوصیت جنگیشان در حمله و گریز حمله گرانه بود . سوار در حین گریز بناگهان بدنبال برمی گشت و بدشمن تیر می انداخت و پس از مدت کوتاه باری دیگر حمله را می آغازید .

پس از مدتی **اشك تیرداد** ، هیرکانیه (گرگان) را نیز تصرف کرد و لشکری عظیم ترتیب داد تا بتواند با سلوکوس و نیز حریفی که بعلت مجاورت از او هم خطرناک تر بود ، یعنی دیودوتوس فرمانروای باکتریه بجنگد . اما بزودی مرگ دیودوتوس او را از گرفتاریهای بیشتر نجات بخشید . بعد بعلت منافع مشترک موجود میان فرمانروای پارتی و دیودوتوس دوم فرزند و جانشین پادشاه باکتریه رشته‌ای از مودت برقرار شد . سلوکوس پس از مجاهدات بسیار توفیق یافت در برابر دشمنان داخلی و خارجی از خود دفاع کند و شیرازه از هم گسیخته کشور را باری دیگر بهم پیوندد . پس از آنکه بامصر صلح کرد و برادرش رامطیع و منقاد ساخت از بابل به ساتراپ نشین علیا شتافت (قبل از سال ۲۳۸ قبل از میلاد) تا باز قیام گران ایرانی (پارتیان) را به اطاعت در آورد . هنگامی که در حال نزدیک شدن بود . ابتدا تیرداد عقب نشست تا پیش یکی از اقوام بدوی بنام **آپازیاک** (یا سگهای آبی) پناهنده شود ، اما یکباره بجنگ تصمیم گرفت و پیروزی نصیبش شد . این روز فتح را پارتیها (پهلویان) رسماً مبدأ استقلال آن سلسله خواندند .

در غیاب سلوکوس ، عمه (یاخاله) او بنام **ستراتونیس** در انطاکیه بلوایی پیا کرد و مانع شد که سلوکوس بتواند اوضاع نابسامان را سر و صورتی دهد و نقشه خود را دایر بر تجدید وحدت قلمرو سلطنتی تحقق بخشد . بازگشت او ، به حکومت یونانی باکتریه و بومیان پارت فرصت مناسب داد تا بیشتر بدور هم جمع شوند . تیرداد از این فرصت استفاده کرد و لشکری بیارست و کاهها و شهر هارا با استقرار استحکامات حفظ کرد و بر فراز سلسله جبال **آپالورتن** (در ناحیه ایبورد) شهری بنام **دارا** یا **داریوم** ساخت . در

اواخر عمر ، برسکه هایش خود را اشك وبعد اشك شاه نامید و بخود لقب شاه بزرگ داد و این کار بطور قطع به پیروی از آنتیوخوس کبیر بوده است . تیرداد ، پس از سی و هفت سال سلطنت در اوج عظمت در سال ۲۱۵-۲۱۱ قبل از میلاد دیده از جهان فرو بست در حالی که همچون بت مورد پرستش رعایای خود بود .

م . م دیاکونف روسی درباره استحکامات مرزی اولیه توسط اشکانیان چنین نوشته است :

«پس از عزیمت سلوکوس دوم ، دوران آرامشی در آن خطه حکمفرما گردید و اشك از آن استفاده و مواضع خویش را در شمال شرقی ایران مستحکم کرد . علی الظاهر قبل از آن تاریخ قلات را در اپورک تیکن نزدیک ایورد کنونی بنا کرده بود . آرشاك به نوبت ارتش خویش و مستحکم ساختن نقاط مسکونی مشغول گردید . پارت مرکز دولت پارتیها بود . در آن خطه شهرنسا تا قرن اول میلادی مقابر جانشینان وی ، شاهان سلالة ارشاکیان (اشکانیان) قرار داشت . شهرها کاتومپیل ، هکاتوم پیل (شهر صد دروازه) پایتخت دولت جدید گشت»^۲

۱ - آقا ، دکتر عایقلی محمودی ، پندتواری .

۲ - تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان ، تألیف آفریدن گوتشمه ، ترجمه کیکاوس جهاننداری صفحه ۴۴

۳ - اشکانیان تألیف ، م . م دیاکونف روسی ترجمه کریم کشاورز صفحه ۴۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آسودگی و آزادگی

چون قسم تو ، آنچه عدل قسمت فرمود ،
آسوده ز هر چه نیست ، میباید زیست ،
یکدره نه کم شود ، نه خواهد افزود .
و آزاده ، ز هر چه هست ، میباید بود .
سلمان ساروجی - قرن ششم